



درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۲

مصادف با: ۲۷ جمادی الثانی ۱۴۳۴

جلسه: ۱۰۸

موضوع کلی: وضع

موضوع جزئی: وضع مرکبات - جمع بندی

سال: چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

جمع بندی:

چهار احتمال در محل نزاع:

تا اینجا نظرات مشهور، محقق اصفهانی (ره) و امام (ره) ذکر شد، هر یک از اینها در مورد محل نزاع و مراد قائلین به وضع مرکبات مطالبی را ذکر کردند، با توجه به آنچه تا به حال گفته شد در مورد محل نزاع چهار احتمال وجود دارد:

احتمال اول:

آیا علاوه بر وضع مفردات کلام که شامل وضع «زید»، وضع «قائم» هیئت و ماده و وضع هیئت جمله خبریه است، آیا مجموع جمله هم یعنی مفردات منضمّاً ماده و هیئت وضع دارند یا نه بدون اینکه معنایی را افاده کنند و معنای خاصی از آن فهمیده شود.

احتمال دوم:

آیا علاوه بر وضع مفردات کلام یعنی وضع «زید»، وضع «قائم» هیئت و ماده، خود هیئت جمله خبریه هم وضع جداگانه‌ای دارد یا نه؟ طبق این احتمال هیئت جمله خبریه جزء مفردات نیست.

احتمال سوم:

آیا علاوه بر وضع هیئات برای مجموع جمله ماده و هیئت وضع دیگری علی سبیل الترادف وجود دارد یا نه؟

احتمال چهارم:

آیا معنای تصدیقیه به وضع هیئات فهمیده می‌شود یا به وضع مجموع جمله به ماده و هیئت؟

چهار احتمال در مراد قائل به وضع مرکبات:

بر این اساس در مورد قول به وضع مرکبات هم چهار احتمال وجود دارد:

احتمال اول:

مجموع جمله غیر از وضع هیئت جمله خبریه و غیر از وضع مفردات ماده و هیئت، وضع جدیدی دارد ولی معنای جدیدی را افاده نمی‌کند یعنی خود جمله «زید قائم» بمادته و هیئته وضع دارد ولی هیچ معنایی را افاده نمی‌کند. این مطلبی است که مشهور متأخرین به قائل به وضع مرکبات نسبت داده‌اند.

احتمال دوم:

مجموع جمله، وضع شده برای افاده همان چیزی که هیئت جمله خبریه آن را افاده می‌کند، علی سبیل الترادف. این احتمالی بود که در کلام امام (ره) ذکر شد.

احتمال سوم:

منظور از وضع مرکبات همان وضع هیئات جمل خبریه است، یعنی قائل به وضع مرکبات منظورش این است که مرکبات دارای ماده نیستند و ماده آن همان ماده مفردات است ولی هیئتی زائد بر هیئت مفردات دارد و کسی که مدعی وضع مرکبات است بیش از وضع این هیئات چیزی را ادعا نمی‌کند، البته در این کلام که از جانب محقق اصفهانی (ره) مطرح شده دو احتمال وجود دارد که به آن دو اشاره خواهیم کرد.

احتمال چهارم:

منظور قائل به وضع مرکبات این است که مجموع جمله دال بر افاده معانی تصدیقیه است، یعنی مثلاً جمله «زید قائم» به مادتها و هیئتها برای افاده معنای تصدیقی وضع شده همان گونه که مفردات برای افاده معانی تصوریه وضع شده‌اند.

بررسی احتمالات:

بررسی احتمال اول:

احتمال اول این بود که مجموع جمله بمادته و هیئته به غیر از وضع هیئت، وضع جدیدی دارد ولی معنای جدیدی را افاده نمی‌کند. این احتمال از طرف مشهور متأخرین به قائل به وضع مرکبات نسبت داده شد. این احتمال واضح الفساد است؛ چون به طور کلی وضع بر اساس یک غرض و هدف و حکمتی صورت می‌گیرد و مهم‌ترین غرض وضع افاده و استفاده است. در وضع مفردات، وضع مواد و هیئات مفردات به غرض افاده و استفاده معانی تصوریه آنهاست لذا وضع در مفردات یک جمله محقق است و بحثی هم ندارد، هیئت جمله خبریه هم مفید معنایی است که به اختلاف مبانی، فرق می‌کند و ما در بحث از معنای هیئت جمله خبریه به این مبانی اشاره کردیم: مشهور می‌گویند آن معنی عبارت است از نسبت، امام (ره) فرمود: آن معنی، هوهویت است، مرحوم آقای خویی فرمود ابراز یک امر نفسانی است. لکن بحث مهم این است که بالاخره هیئت جمله خبریه برای افاده یک معنی وضع شده، حال با اینکه هیئت جمله این معنی را افاده می‌کند اگر ادعا کنیم مجموع جمله بمادته و هیئته دارای وضع است ولی بر هیچ معنایی دلالت نمی‌کند و هیچ معنایی زائد بر آنچه که از آن فهمیده می‌شود ندارد، با حکمت وضع و غرض واضح منافات خواهد داشت، اگر معنی از خود هیئت جمله خبریه فهمیده شود و وضع مرکب و مجموع جمله بمادته و هیئته برای افاده معنایی نباشد، نیازی به وضع آن نخواهد بود و این امری واضح الفساد است و بعید است مراد قائل به وضع مرکب این باشد که مرکب یعنی مجموع جمله بمادته و هیئته، وضع دارد ولی هیچ معنایی از آن فهمیده نمی‌شود، چون چیزی نیست که مجموع جمله بخواهد بر آن دلالت کند و اگر هم بخواهد بر همان معنایی که هیئت جمله خبریه آن را افاده می‌کند، دلالت کند وضع آن لغو خواهد بود و دیگر نیازی به وضع مرکب نیست چون این مخالف با حکمت و غرض از وضع است. لذا احتمال اول همان گونه که در کلمات امام (ره) و محقق اصفهانی (ره) وارد شده بدیهی الفساد و واضح البطلان است، اگر چه محقق اصفهانی (ره) در اینکه این احتمال را به ابن مالک نسبت داده مورد اشکال واقع شده است.

بررسی احتمال دوم:

احتمال دوم این بود که مجموع جمله برای افاده همان چیزی وضع شده که هیئت جمله خبریه آن را افاده می‌کند، علی سبیل الترادف. طبق این احتمال مفاد مرکب و مجموع جمله خبریه همان مفاد هیئت جمله خبریه است لکن مجموع جمله بمادته و هیئته و هیئت مرادف هم هستند و کآن واضح دو ابزار و وسیله در اختیار مستعملین قرار داده که با هر دو ابزار می‌توانند این معنی را برسانند.

توضیح مطلب اینکه در الفاظ مترادفه، لفظ متعدد و معنی واحد است، هدف از وضع مترادفات در واقع تسهیل در امر استعمال است، چون بعضاً معنای موضوع له زیاد مورد استفاده قرار می‌گیرد، شما گاهی می‌خواهید از یک معنا در یک گفتگو زیاد استفاده کنید، حال اگر قرار باشد فقط از یک لفظ استفاده شود کسل کننده و مُمل است لذا واضح برای سهولت امر و به خاطر جلوگیری از کثرت استعمال یک لفظ، الفاظ متعددی را برای یک معنی وضع می‌کند، پس اصل ترادف دارای یک غرض است. در اینجا هم ممکن است این چنین باشد، یعنی واضح به منظور تسهیل در امر استعمال دو وضع دارد؛ یکی وضع هیئت جمله خبریه و دیگری وضع مجموع جمله بمادته و هیئته برای افاده همان معنایی که هیئت جمله خبریه افاده می‌کند.

این احتمال هم به نظر ما مخدوش است؛ چون درست است که فساد این احتمال به وضوح و بدهت احتمال اول نیست ولی در عین حال ما معتقدیم این احتمال هم باطل است؛ چون:

اولاً: اساس ترادف طبق نظر بعضی از محققین مورد قبول نیست، یعنی بعضی از محققین معتقدند الفاظی که در مورد آنها ادعای ترادف شده در واقع یک معنی را افاده نمی‌کنند بلکه هر کدام از آن الفاظ بر یک خصوصیتی دلالت می‌کند که لفظ دیگر بر آن خصوصیت دلالت ندارد، پس اگر اصل ترادف زیر سؤال برود احتمال دوم قابل قبول نخواهد بود. اما این اشکال، مبنایی است و اشکال مهمی نیست.

ثانیاً: بر فرض بپذیریم الفاظ مترادفه وجود دارند و واضح، الفاظ متعدد را برای یک معنی به جهت تسهیل در امر استعمال و جلوگیری از تکرار وضع کرده ولی مشکل این است که اگر غرض ترادف جلوگیری از تکرار و تسهیل در امر استعمال باشد، این امر در ما نحن فیه هیچ گاه محقق نمی‌شود؛ چون طبق مصلحتی که برای ترادف ذکر شد فرض این است که الفاظ و واژه‌ها به جای یکدیگر بکار بروند یعنی برای افاده یک معنی مثلاً یک بار از لفظ «انسان» استفاده کند و بار دیگر از لفظ «بشر» و مرتبه سوم از لفظ «آدم» و امکان استفاده این الفاظ به جای یکدیگر وجود داشته باشد ولی هیچ وقت این الفاظ در کنار هم و با هم استعمال نمی‌شوند مگر برای تأکید و چنین چیزی در ما نحن فیه محقق نمی‌شود چون همیشه هیئت جمله خبریه و مجموع جمله با هم ملازمند و همراه هستند و این گونه نیست که هر کدام به تنهایی استعمال شوند تا گفته شود گاهی از اوقات به حسب نیاز می‌توان آنها را به جای یکدیگر استعمال کرد، وقتی گفته می‌شود «زید قائم»، فرض این است که در اینجا پنج وضع وجود دارد؛ وضع ماده «زید»، وضع ماده «قائم»، وضع هیئت «قائم»، وضع هیئت جمله خبریه و

وضع مجموع جمله بمادته و هیئته، پس در هر یک از این جملات، هیئت و مجموع جمله وجود دارد و با این وجود چگونه ممکن است که هیئت جمله خبریه و مجموع جمله بمادته و هیئته با هم استعمال شوند و مترادف هم باشند؟ پس هیچ فایده‌ای هم بر این نحوه استعمال مترتب نمی‌شود، چون هیچ تسهیلی را به دنبال ندارد. لذا التزام به چنین مطلبی صحیح نیست.

ثالثاً: بر فرض بپذیریم که مجموع جمله خبریه برای افاده همان چیزی وضع شده که هیئت جمله بر آن دلالت دارد و این دو مترادف با هم هستند و در هر جمله‌ای هر دو وجود دارند و با هم استعمال شده‌اند، باید ما از شنیدن هر جمله مثل «زید قائم» دو بار به معنای آن منتقل شویم؛ یکی از هیئت و دیگری از مجموع جمله بمادته و هیئته در حالی که این خلاف وجدان است. اگر هم گفته شود همان انتقال اول که به وسیله هیئت جمله خبریه صورت می‌گیرد کفایت می‌کند، سؤال این است که در این صورت وضع مرکبات از طرف واضع، مخالف با حکمت و غرض وضع است. لذا احتمال دوم هم مردود است.

بررسی احتمال سوم:

احتمال سوم این بود که منظور از وضع مرکبات همان وضع هیئات باشد. این احتمال در کلام محقق اصفهانی (ره) هم وجود دارد ولی این احتمال با ظاهر کلمات قائلین به وضع مرکب سازگاری ندارد؛ چون تعبیر آنها این است که مفاد و معنای مجموع مرکب بمادته و هیئته همان مفاد و معنای هیئت جمله خبریه است، این تعبیر نشان می‌دهد مرکب در نظر آنها غیر از هیئت جمله خبریه است. بعلاوه اگر این احتمال مراد باشد، این از محل نزاع خارج است؛ چون فرض این است که منظور از وضع مرکبات غیر از وضع هیئات است.

یک احتمال دیگر هم اینجا وجود دارد و آن این که منظور محقق اصفهانی (ره) که قول به وضع مرکبات را این گونه تفسیر می‌کند که مراد آنها همان وضع هیئات است، این نیست که همان هیئات جملات خبریه دارای وضع هستند بلکه منظورش این است که هیئت مرکب گاهی زائد بر مفردات، ماده و هیئت یک معنی و فائده خاصی را افاده می‌کند که این هیئت فقط می‌تواند این معنی را برساند مثل هیئت تقدیم و تأخیر، هیئت مرکب اضافه و زائده‌ای که دارد این است که خود مفردات به تنهایی چه مقدم باشند و چه مؤخر هیچ تفاوتی در معنای آنها ایجاد نمی‌شود ولی وقتی در ترکیب جمله قرار می‌گیرند تقدم و تأخر، در معنای آنها تأثیر دارد مثل اینکه بگوییم این هیئت دال بر حصر است. طبق این احتمال می‌توان گفت مرکبات دارای وضع هستند ولی این احتمال هم با ظاهر کلمات قائلین به وضع مرکبات سازگار نیست. پس احتمال سوم هم به هر دو تفسیری که ذکر شد قابل قبول نیست.

بررسی احتمال چهارم:

احتمال چهارم این بود که مجموع جمله بمادته و هیئته دال بر افاده معنای تصدیقی است نه هیئات، یعنی اینکه متکلم قصد دارد یک معنای تصدیقی را افاده کند، حال بحث این است که دال بر این معنای تصدیقی خود هیئت جمله خبریه است یا

مجموع جمله خبریه بمادته و هیئته؟ قائل به وضع مرکب می‌گوید دال بر این معنای تصدیقی مجموع جمله بمادته و هیئته می‌باشد.

این احتمال هم مردود است؛ چون اگر قرار باشد مجموع جمله بمادته و هیئته دال بر معنای تصدیقی خودش باشد مستلزم آن است که وضع در مورد هر یک از جملات، جداگانه صورت بگیرد در حالی که چنین چیزی ممکن نیست، چون اگر گفتیم مجموع جمله بمادته و هیئته دارای وضع است به معنای آن است که وضع آن، شخصی است و در این صورت نمی‌تواند وضع نوعی داشته باشد، مثلاً وقتی گفته می‌شود مجموع جمله «زید قائم» بمادته و هیئته دارای وضع است، باید خود «زید»، «قائم» و مجموع این جمله وضع شده باشد یعنی واضح باید جمله «زید قائم» را هم وضع کرده باشد و اگر بخواهد مجموع جمله بمادته و هیئته وضع شود وضع نوعی در مورد آن امکان نخواهد داشت، اگر وضع در مجموع جمله بمادته و هیئته به ناچار وضع شخصی باشد پس باید هر جمله‌ای که هر متکلمی در هر استعمال بکار می‌برد یک وضع جداگانه داشته باشد، چون اصلاً وضع نوعی برای آن متصور نیست و واضح نمی‌تواند یک قالب درست کند و بگوید هر کس می‌خواهد جمله اسمیه را استعمال کند ترکیب و هیئتش به این نحو است بلکه باید ماده و هیئات معلوم باشد و وضع شخصی هم برای مجموع جمله بما هو جمله ممکن نیست لذا نمی‌توان ملتزم به این نحوه وضع برای مجموع جمله بمادته و هیئته شد. این اشکالی است که از طرف ابن مالک ایراد شده است. پس احتمال چهارم هم مردود است.

نتیجه: طبق سه احتمال از احتمالات چهارگانه (احتمال اول، دوم و چهارم) اصلاً وضعی برای مرکبات متصور نیست و طبق یک احتمال (احتمال سوم) هم که وضع مرکبات ممکن است مشکل این است که از محل نزاع خارج است و مطابق با ظاهر کلمات قائلین به وضع مرکب هم نیست.

«هذا تمام الکلام فی وضع المركبات»

«والحمد لله رب العالمین»